

معرفی سازمان بین المللی کار

قانونم دین محمد فائز

سازمان بین المللی کار (International labor organization) در سال ۱۹۱۹ عیسوی پس از پایان جنگ جهانی اول زمانی که کنفرانس صلح در کاخ ورسای بر پا بود، شکل گرفت.

نیاز به پیدایش چنین سازمانی در قرن نوزدهم به اثرسی و تلاش های خستگی ناپذیر دوتن از صنعتگران ولزی و فرانسوی یعنی رابرت اوون و دانیل لگراند مورد تأکید و پیگیری قرار گرفته و پس از آنکه طرح مذکور در خلال همکاری های بین المللی جهت تدوین قانون کارگران در سال ۱۹۰۱ در باسل مورد توجه قرار گرفت.

سازمان بین المللی کار (ILO) با هدف تدوین مقررات و قوانین کار در سطح بین المللی در جهت بهینه سازی استانداردهای بین المللی کار و حصول اطمینان از بکار گیری آن‌ها ایجاد گردید.

اساسنامه سازمان بین المللی کار در بین ماههای جنوری و آپریل ۱۹۱۹ به وسیله کمیسیون کار در کنفرانس بین المللی صلح تدوین شد. این کمیسیون ترکیبی بود از نمایندگان ۹ کشور (بلژیک، کوبا، چکسلواکی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لهستان، بریتانیا، و ایالات متحده آمریکا) که رهبری کمیسیون را ساموئل گامپرس، رئیس فدراسیون کارگری آمریکا (AFL) بر عهده داشت.

نتیجه این نشست تأسیس سازمان بین المللی کار بود، این سازمان تنها مرجعی بود که نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران را در یک نقطه (وضع قواعد و مقررات همه جانبه و قابل قبول در عرصه کار) تنظیم می نمود.

اولین نشست سالانه سازمان بین المللی کار، همراه بود با دو نماینده از دولت و کارفرمایان و کارگران از هر کشور عضو که در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۱۹ با یکدیگر ملاقات کردند. این نشست مسائل مربوط به شش مبحث اول کنوانسیون بین المللی کار را که درباره ساعات کار در صنایع، بیکاری، حفاظت از زنان باردار، ساعات کار شبانه زنان، حداقل سن کار و کار شبانه برای در صنعت می باشد، مشخص ساخت.

در بخش مدیریت اجرایی سازمان بین المللی کار که توسط کنفرانس انتخاب شدند، نیمی از اعضا را نمایندگان که از طریق دولت های شان معرفی شده بودند، یک چهارم آن را نمایندگان کارفرمایان تشکیل می دادند. آنها آلبرت توماس را به عنوان اولین مدیرعامل دفتر سازمان بین المللی کار انتخاب کردند که دبیر کل دائمی سازمان بود که در دوران جنگ جهانی اول در دولت فرانسه مسئولیت وزارتخانه مهمات را برعهده داشت. در همان آغاز کار، اعتبار و قدرت خاصی به این سازمان بخشید. در کمتر از دو سال، ۱۶ کنوانسیون بین المللی کار و ۱۸ توصیه نامه تدوین شد.

اساسنامه سازمان بین المللی کار در بخش سیزدهم، پیمانی که میان متحدین به امضاء رسید، گنجانیده شده است. در پیمان مذکور چنین تصریح گردیده بود:

«صلح جهانی ودوامدار زمانی می تواند تأمین گردد که به اساس عدالت اجتماعی استوار باشد.»

سازمان بین المللی کار یکی از نهاد های تخصصی ... ادامه در ص/۲

کنفرانس ملی آگاهی عامه حقوقی و مساعدت های حقوقی دایر گردید

گزارش گر: شفیق الله نبی زاده

کنفرانس ملی آگاهی عامه حقوقی و مساعدت های حقوقی به ابتکار وزارت عدلیه و همکاری برنامه انکشافی ملل متحد (UNDP) و اتحادیه اروپا به روزسه شنبه مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۰ در هوتل اترکانتینتال کابل به اشتراک خاړنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، روسای وزارت عدلیه، مرستیال لوی خاړنوالی، رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع، نماینده ستره محکمه، منوچ بسنیات رئیس عمومی برنامه انکشافی ملل متحد، سفیر و یگاداس ازاکاس رئیس هیئت اتحادیه اروپا در افغانستان و نمایندگان وزارت امور زنان، وزارت حج و اوقاف، وزارت معارف، کمیسیون مستقل حقوق بشر، کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی و شورای عالی صلح (برگزار شد. چون اکثر شهروندان افغانستان خصوصاً آنانیکه در مناطق دور دست زندگی میکنند به عدالت و حقوق قانونی شان دسترسی ندارند و در خصوص تحصیل حقوق مدنی، جزایی و سایر حقوق شان که در قوانین تصریح شده است معلومات محدود دارند، بناءً وزارت عدلیه ضرورت و نیاز به آگاهی عامه حقوقی و دسترسی به عدالت را در سرتاسر کشور درک میکند. بدین ملحوظ به وزارت عدلیه وظیفه سپرده شده است تا آگاهی عامه را از طریق ریاست ها و موسسات مربوطه خویش در سرتاسر کشور انجام دهد. ابتدا وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان از برگزار کنندگان این کنفرانس مخصوصاً از برنامه انکشافی ملل متحد (UNDP



(ابراز تشکری نموده سپس بیان داشت که آگاهی دهی از قانون و مقررات رسالت پیغمبران بوده و جامعه ما یک جامعه اسلامی است و تمام قوانین ما پیوند ناگسستی با اساسات شریعت اسلامی دارد، بناءً همه قوانین نافذ در جامعه افغانی از شریعت اسلامی سرچشمه میگرد. وی همچنان فرمودند: قانون زمانی حاکمیت پیدا میکند که افراد جامعه قانون را به دل و جان بپذیرند و درخفا و در ظاهر به قانون احترام داشته باشند و آنرا تطبیق نمایند و این کار زمانی ممکن است که قلب مردم بپذیرد که قانون به خیر و صلاح شان است

احکام رهن حیازی از منظر قانون

سید باقر حسینی

به این صورت فردی که مال را به رهن می دهد، به نام "راهن"، "رهن دهنده" یا "مدیون رهن دهنده" یاد می شود. به کلمات دیگر، راهن شخصی است که عینی را به گرو داده باشد. کسی که مال را به رهن می گیرد، "مرتهدن یا رهن گیرنده" است. به عبارت دیگر، مدیون رهن دهنده، شخصی است که در مقابل دریافت یک حق مالی، مال (عین) خود را جانب مقابل (داین رهن گیرنده) به رهن می گذارد. مال به رهن گذاشته شده، به نام "رهن یا گرو گذاشته شده" یا "مرهونه" یاد می شود.

قاموس اصطلاحات حقوقی، رهن را نوعی عقد دانسته و آن را چنین تعریف می نماید: "عقدی است که به موجب آن در قید نگهداشتن مالی در برابر پرداخت حق مالی که ادای کل یا بخشی از آن ممکن باشد." از نگاه فقهی، رهن، به معنی "عقدی است که به موجب آن مدیون، مالی را جهت وثیقه به داین می دهد." به عنوان نمونه، اگر احمد با توافق محمود تا زمان پرداخت قرض، خانه اش را به حیث گرو در اختیار محمود بگذارد، این عمل را به نام رهن یاد می کنند. ... ادامه در ص/۳

یکی از مشخصات زندگی اجتماعی داد و ستد و معاملات تجاری می باشند. با توجه به این نکته که قراردادهای مرتبط به معاملات تغییر پذیرند، قانونگذاران نیز قوانین را اصلاح و تعدیل نموده و یا برای پاسخگویی به شرایط جدید، قوانین جدید را وضع می کنند. از جمله، در قدیم، زمانی که فردی مال یا پول فرد دیگر را به قرض می گرفت، باید در وقت مشخص مال وی را دوباره باز می گرداند. در آن زمان مردم به ندرت مالی را در برابر مال دیگر به گرو می گذاشتند و اگر این کار هم صورت می گرفت، وجهه قانونی نداشت. اما به مرور زمان و به اثر تغییرات ساختاری جوامع و نحوه داد و ستد، اکنون، مردم در قبال تصرف مال یا دارایی، ملک خود را به گرو می گذارند. چنانچه برخی اوقات فرد مقروض نمی تواند قرضش را به موقع ادا کند. در این حالت وی می تواند تا زمان پرداخت پول، مال منقول یا غیرمنقول خویش را به عنوان گرو به قرض دهنده بدهد. این عمل به اصطلاح قانون به نام "رهن" یاد می شود. از نگاه حقوقی، منابع مختلف برای رهن تعاریف متفاوت نوشته اند. مجله الاحکام رهن را چنین تعریف کرده است:

"عبارت از حبس مال و توقیف آنست در مقابل حقی که استیفاء آن از این مال ممکن باشد."

د نکاح شروط او رکنونه!

محمد عارف صبا

شرطونه:

شرطونه د شرط جمع ده، د یوشی په خارجی بڼه کېښي یو موثر حقیقت ته وانی، عالمانو د نکاح شرطونه څلور بڼوډلي دي.

۱- دانعقاد شرطونه

۲- دصحت شرطونه

۳- دانفاذ شرطونه

۴- لازمی شرطونه

لو مري دانعقاد شرطونه:

دهغه ضروري شرطونو څخه عبارت ده چي په عقد کېښي ددغه شرطونو مراعت ضروري، اوددغه شرطونو نه مراعت کېدلو په سبب عقد باطلېږي. د مثال په توگه (د نکاح په عقد کېښي رضایت، دعقد اصلي موضوع، دعقد سبب.

دويم: دصحت شرطونه:

د صحت شروط د هغه شرطونو څخه عبارت ده. چي ددغه شرطونو د نه مراعت په سبب دعقد په رکتونو کېښي خلل یا نقص رامینځ ته، اما د عقد مرتب شوي حقوق او اثار په هغه کېښي نه مرتب کېږي، اوددغه شرطونو په نه موجودیت سره عقد فاسدېږي.

مدني قانون په ۷۷ حکم کېښي دصحت شرطونو په هکله داسي ونيلي دي.

۱- د عقد کوونکو، اولیاوو او د وکیلانو په واسطه صحیح ایجاب اوقبول ترسره کول.

۲- د اهلیت لرونکو شاهدانو موجودیت.

۳- دعقدینو تر مینځ د دایمی یا موقتي حراموالي نه موجودیت.

د نکاح عقد په ایجاب اوقبول سره تر سره کېږي چي په هغه کېښي وخت نه وي قید شوي او په واحد مجلس کېښي ترسره شي.

دریم - د انفاذ شرطونه:

د انفاذ شرطونو څخه مقصد هغه شرطونه دي، چي د عقد د ترسره کېدو حکم د بل شخص د اجازي په وړاندي اړه ولري. مثلاً ولي (پلار)

څلورم لازمی شرطونه:

لازمي شرطونه د هغه شروط څخه عبارت ده، چي ددغه شرطونو په نه موجودیت سره عقد کوونکو ته دعقد دفسخ کولو حق ثابتېږي، دمثال په توگه دعقدینو شروط، د معقود علیه شروط، دعقد ماتیدل (نقض) شرطونه په لاندې ډول سره څرگندېږي. ... پاتی برخه ص/۲

مجازات جرم سرقت از منظر شریعت و قانون

سید محمد رضا فخری

(قسمت دوم)

۲- همچنان شخصی که مال منقول و متقوم ملکیت غیر را طور خفیه بگیرد سارق شمرده می شود.»

هاکذا ماده ۴۵۵ قانون جزا درمورد ارتکاب جرم سرقت دارای احکام ذیل می باشد:

«شخصی که با اجماع شرایط چهار گانه آتی مرتکب سرقت گردد به حبس دوام محکوم میگردد:

۱- سرقت بین غروب و طلوع آفتاب.

۲- سرقت از جانب دوشخص ویا بیشتر از آن.

۳- سرقت با حمل اسلحه ظاهری یا پنهانی سارقین یا یکی از آنها.

۴- سرقت با داخل شدن به محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده و یا به یکی از ملحقات آن بوسیله بالا شدن به دیوار، سوراخ کردن آن، شکستادن دروازه وامثال آن ویا با استعمال کلید های ساخته شده یا لباس عسکری، پولیس، یا لباس سایر مئوظفین خدمات عامه یا بوسیله امر تزویر شده به ادعای اینکه از مقامات با صلاحیت دولت صادر شده یا بوسیله سازش با یکی از ساکنین محل و یا به استعمال هر نوع حيله ای که باشد صورت گرفته باشد.» ضمناً مطابق ماده (۵۴۹) قانون جزا اشخاص آتی به حبس متوسطه که از سه سال کمتر نباشد محکوم میگرددند:

۱- شخصی که در یکی از عبادتگاه، محل مسکونی و محلی که برای سکونت آماده باشد و یا در ملحقات آن سرقت نماید.

۲- شخصی که با داخل شدن به محوطه به وسیله شکستادن احاطه استعمال کلیدهای ساختهگی یا بهر طریق دیگریکه بداخل محوطه نفوذ کرده باشد سرقت نماید. ... ادامه در ص/۲

اهمیت حقوق مالکیت ...

« احکام این قانون در مورد سایر آثاری که مطابق یکی از میثاق ها، موافقتنامه ها و کنوانسیون های بین المللی که افغانستان به آن ملحق گردیده و واجد شرایط حمایت باشد نیز قابل تطبیق است.»

با توجه به آنچه بیان شد حقوق ملکیت معنوی و فکری آثار ادبی وهنری که درخارج از کشور توسط اتباع خارجی و یا داخلی بوجود بیاید در داخل افغانستان نیز مورد حمایت قانون قرار می گیرند. بطور مثال هرگاه شخصی کتاب یا اثر دیگری را بدون اجازه ترجمه و یا نشر و یا هر نوع استفاده دیگری که خلاف حقوق ملکیت معنوی و فکری پدید آورنده اثر است مورد استفاده قرار دهد، به اساس درخواست رسمی نویسنده و دارنده حقوق مادی و معنوی مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار می گیرد.

نکته مهمی که به آن باید توجه داشت اینست که مطابق احکام ماده هفتم قانون فوق الذکر، آثاری مورد حمایت قانون قرار می گیرد که در وزارت اطلاعات و فرهنگ ثبت شوند. لذا صاحبان آثار علمی، فرهنگی، هنری و ادبی در صورتی می توانند از مزایای حمایت قانون از حقوق ملکیت معنوی و فکری درمورد آثارشان استفاده نمایند که اثر، نام، عنوان و نشان آن را مطابق طرزالعمل ثبت این آثار، در وزارت اطلاعات و فرهنگ به ثبت برسانند.

ماده هشتم این قانون نیز بر این نکته تاکید دارد که حمایت این قانون شامل آثاری که خلاف این قانون تالیف و اقتباس شده باشند قرار نمی گیرد.

همچنین بصورت عموم، اصالت و ابتکار، نو و جدید بودن یک اثر از شرایط عمومی حمایت از آثار می باشد.

هدف قانونگذاران نیز این است که از منافع و مصالح اجتماعی حمایت کنند و اگر اثری مخالف با نظم عمومی و عفت و اخلاق عمومی باشد، ازلحاظ شرعی و حقوق ارزش مالی نداشته و مورد حمایت واقع نمی گردد.

(ب حقوق و امتیازات پدید آورنده اثر:

هر فردی که با تلاش و کوشش خویش به خلق و ابداع یک اثر می پردازد، از مزایا و امتیازات مادی و معنوی مربوط به اثر خویش بهره مند می گردد. با توجه به شرایطی که برای حمایت قانونی از آثار بیان کردیم، ماده نهم قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی رایت)، حقوق و امتیازات پدیدآورنده اثر را چنین بیان کرده است:

« پدید آورنده، دارای حق انحصای نشر، پخش، عرضه و اجرای اثر و حقوق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر خود می باشد.
 »
ماده نهم در واقع به این نکته مهم اشاره دارد که تمامی حقوق مادی و معنوی ناشی از اثری که توسط اشخاص حقیقی و یا حکمی خلق و ابداع شده باشد برای آنان محفوظ می باشد. همچنین تمامی پروسه بعد از خلق یک اثر، شامل تکثیر و توزیع و سایر حقوق مانند حق ترجمه و غیره برای پدید آورنده محفوظ و مصون می باشد.

قابل توضیح است که در این قسمت، از معلوماتی که درباره حمایت از آثار قانونی ملکیت مادی و معنوی تذکر داده شده ایجاب می نماید تا به توضیح اصل مالکیت مادی و معنوی ولو بصورت مختصر بپردازیم:

(۱ حقوق معنوی(اخلاقی) اثر:

۱– ماده یازدهم قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی رایت) در مورد حقوق معنوی پدیدآورنده اثر چنین بیان می دارد:

« ۱– حقوق معنوی اثر منحصر به پدیدآورنده بوده، قابل انتقال نمی باشد.

۲– پدیدآورنده دارای حقوق معنوی ذیل می باشد:

– ذکر یا عدم ذکر نام یا نام مستعار در اثر.

– منع هر نوع استفاده از اثر که منافی حیثیت و اعتبار آن گردد.

– اعتراض بر هر نوع تحریف، تغییر شکل یا تصرف در اثر.

۳– هر گاه کارگر حین اجرای وظیفه با استفاده از تسهیلات کارفرما، اثری را ایجاد نماید، این اثر به کارفرما نسبت داده شده و متعلق به وی می گردد، مگر اینکه در مورد طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد.»

معمولا حقوق معنوی اثر، محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال به غیر است و شامل موارد ذیل می گردد :

۱– حق انتساب اثر به پدید آورنده: این حق از قدیم در بین شعرا و نویسندگان به شدت مورد توجه بوده است. غیرقابل انتقال بودن این حق بدین معنی است که حتی اگر پدید آورنده موافقت کند، نمی توان نام شخص دیگری را روی اثر نهاد. البته، پدید آورنده حق دارد اثر را بی نام و یا با نام مستعار منتشر کند، اما نمی تواند به نام کسی دیگر منتشر کند. از سوی دیگر، این حق برای ورثه محفوظ است که از انتشار اثر بدون نام پدید آورنده جلوگیری کنند .

۲– حق احترام به تمامیت اثر: یعنی حق اعتراض به هرگونه تغییر یا اقدامی که موجب لطمه به حسن شهرت پدید آورنده شود. به عبارت دیگر، فقط پدید آورنده حق دارد در اثر خود تغییراتی صورت دهد و بدون اجازه وی هرگونه تغییر و تحریف ممنوع است.

احکام رهن هیازی از...

درین مثال، احمد، نقش راهن یا رهن دهنده و محمود، عنوان مرتهن یا رهن گیرنده را دارند. خانه ی به رهن گذاشته شده را "رهن" گویند.

ازنگاه لغوی، رهن، مصدری کلمه ی "مرهون" می باشد. رهن، درلغت به معنای "ثبات" و "دوام" است و گاه به معنای "حبس" نیز به کار می رود. رهن، در معاملاتی چون گروی، وام و دین قابل تطبیق است. «الرهان» هم به معنی رهن گرفته شده، ولی رهان، ملکی است که برای شرط بندی درمیان می گذارند. بنا برتعریف فرهنگ یک جلدی فارسی معین، رهن به معنی "گرو" است.

درقانون مدنی از انواع رهن یاد شده است: ازجمله رهن هیازی. ما دراین نوشته، رهن هیازی را به عنوان نمونه انتخاب کرده و روی آن بحث خواهیم کرد. قانون مدنی، رهن هیازی را چنین تعریف می کند:

" رهن هیازی، عقدیست که به موجب آن رهن دهنده تعهد می‌نماید تا مال خود را به تصرف رهن گیرنده یا شخص امین دیگری به مقابل حق مالی قرار دهد که ادای تمامی یا قسمتی از آن برحق داینین درجه اول یا داینینی که نسبت به داینین مذکور به مرتبهٔ پائین تر قرار دارند، مقدم باشند." به اساس این تعریف، رهن هیازی، نوعی از"تعهد" و "عقدی" می باشد که شخصی در بدل مال خود، اختیار استفاده و کنترل مالی را می یابد.

قانون مذکور برای صحت انعقاد عقد رهن شرایطی را بیان کرده است. چنانچه اگر درحین عقد معامله، دین به ذمه مدیون ثابت نباشد یا مال به رهن گذاشته شده با کسی شریک باشد و یا مال مذکور به غضب برده شده باشد و یا مال به حیث امانت به کسی سپرده شده باشد، دراین حالات عقد رهن هیازی بالای مال مذکور منعقد نمی گردد. دراین ارتباط ماده ۱۷۷۲ چنین صراحت دارد:

" (۱) موضوع رهن باید دین ثابت به ذمه مدیون بوده یا عینی از اعیان قابل تضمین باشد. رهن به امانات صحت ندارد.

(۲) مال مرهونه در رهن هیازی، منقول و غیر منقول شده می تواند.

(۳) هرگاه مال مرهونه در رهن هیازی پول نقد باشد، رهن گیرنده نمی تواند از آن استفاده نماید؛ مگر این که این استفاده به غرض حصول دین بعد از اخطار رهن دهنده در موعد تادیه دین صورت گرفته باشد."

مطابق به ققره دوم ماده ۱۷۷۲ مدیون می تواند اموال منقول و غیر منقول خویش را به گرو بگذارد. زیرا ممکن است وی درحال حاضر تنها مال منقول داشته و نتواند پول نقد یا مال منقول دیگر را یافته و به گرو بگذارد. به همین خاطر است که عقد رهن هیازی، روی ملک غیرمنقول نیز تحقق می یابد. ممکن است فرد مذکور مقدار پولی را به گرو بگذارد. دراین صورت به رهن گیرنده حق استفاده از پول مذکور را ندارد؛ اما اگر فرد به رهن دهنده را قبلا از پوره شدن موعد تادیه دین خبر داده باشد، وی می تواند از پول مذکور استفاده کند.

علاوه بر شرایط گفته شده، ماده ۱۷۷۱ قانون مدنی درمورد دارای احکام ذیل می باشد: "مال مرهونه دررهن هیازی باید موجود و دارای قیمت مقدور التسلیم و ملک خالی از حقوق غیر باشد. ...ادامه در شماره بعدی

فرق بین قتل به وسیله...

زیرا آب زیاد غالباً انسان را به قتل رسانده وغرق کردن در آب خود دلیل عمدی بودن قتل است. هنگامی که مسئله ی عمد، در میان باشد خود به خود موجب قصاص می شود؛ اگر آب زیاد یا کم بوده شخصی که درآب غرق کرده شده می توانست با آب بازی خود را نجات دهد، یعنی نجات ممکن باشد، با آنهم غرق شده، بمیرد در آن صورت به اتفاق همه فقهای حنفی قتل، عمدی می باشد نه شبه عمد.

علمای حنبلی خفه کردن را قتل عمدی می دانند؛ چه جانی قصد قتل را داشته یا نداشته باشد. زیرا مسئله ی دشمنی و عداوت درمیان می باشد. اگر دشمنی قبلی در میان نبوده وموضوع روی احساسات و از اثر تضادف به میان آمده باشد، در آنصورت قتل خطا مطرح بحث قرار می گیرد.

فقهای شافعی و حنبلی دراین ارتباط اظهار می دارند که: اگر شخصی، فردی را خفه کرده ومدتی را در برگیرد که غالباً انسان در همان مدت زمان می میرد، درین مدت مجنی علیه بمیرد؛ قتل عمد است. اگرمدتی را در بر گیرد، یعنی مدت زمان زیاد تری را دربرگرفته ومجنی علیه زیاد وقت زنده بماند و بعداً بمیرد؛ درین حالت قتل شبه عمد مطرح بحث قرار می گیرد. اگر فردی، شخصی را خفه نموده و بگذارد تا زمانی که بمیرد، درینصورت موضوع قصاص مطرح می گردد؛ زیرا عمداً نفر را خفه نموده و گذاشته است تا بمیرد.درصورتی که بعد ازخفه کردن پس از مدتی زمانی صحت یاب گردیده اما بعد از گذشتت زمان روی دلایل وعوامل دیگر بمیرد؛ دراین حالت موضوع قصاص از بین می رود.

در رابط به موضوعات فوق موقف قانون جزاء طوری است که طبعاً اگر شرایط قصاص تکمیل نشود، مرتکب قتل عمد تعزیراً مطابق قانون جزاء مجازات می شود.

جرم قتل را باید درقانون جزا از دو نگاه مورد مطالعه قرار داد؛ یکی از نگاه اینکه اراده وقصد موجود باشد. دپگراینکه قتل غیرارادی صورت گرفته باشد . اگراراده موجود باشد، قتل را باید چنین تعریف کرد:

عبارت ازعمل شخصی است که بصورت ارادی، حیات دیگری را ازبین می برد. جرم قتل دارای عناصر مادی ومعنوی می باشد.

عنصرمادی: جرم قتل عمد عبارت از اجرای عمل مادی مثبت است که هدف آن از بین بردن حیات می باشد.

عنصر معنوی: جرم قتل عمد وقتی به میان می آید که قتل ارادتا صورت گرفته باشد؛ یعنی شخص عمل را با آگاهی کامل ازعواقب آن انجام دهد. درصورت تکمیل این شرایط، قتل عمدی شمرده می شود. مواد (۳۹۵و۳۹۶) قانون جزا این حالات را پیش بینی نموده است. به اساس حکم ماده (۳۹۵) قانون مذکور مرتکب عمل، به اعدام محکوم می گردد. همچنان ماده (۳۹۶) قانون جزاء درچنین حالات، اعدام یا حبس دوام را پیش بینی نموده است.

قتل درحالتی غیرارادی است که شخص ارادتا دست به تشدد زده ولی مرگ طرف مقابل را خواهان نمی باشد؛ دیگراینکه عمل و یا تشددی که موجب مرگ می گردد، خود غیر ارادی بوده دراثر بی احتیاطی به میان آمده باشد. این موضوع تحت عنوان ضرب منجر به موت وقتل خطا در قانون جزاء پیش بینی گردیده است. چنانچه ماده (۳۹۹) قانون جزاء در زمینه مشعراست:

"۱– شخصیکه بدون داشتن قصد قتل علیه شخصی دیگری با وارد نمودن ضرب، جرح یا دادن مواد مضره و یا ارتکاب هر نوع فعل مخالف قانون عمداً تجاوز نماید به نحویکه فعل او منجر به مرگ مجنی علیه گردد، حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.

۲– اگرارتکاب جرایم مندرج فقره فوق با اصرارقبلی یا علیه موظف خدمات عامه دراثنای اجرای وظیفه یا به سبب آن صورت گرفته باشد و یا مجنی علیه از اصول وی باشد؛ مرتکب، به حبس دوام محکوم می گردد."

آنچه در رابط به قتل بوسیله غرق نمودن ،سوزاندن و خفه کردن مختصراً توضیح دادیم نشان دهنده آنست که فقهادر رابط به شرایط قصاص توافق نظر نداشته دیدگاههای شان در رابط به شرایط قصاص وتطبیق آن متفاوت میباشد اما در قسمت مجازات تعزیری کدام شرایط خاص را وضع ننموده اند .

ماخذ و منابع

قانون جزاء سال ۱۳۵۵

حقوق جزای خصوصی اسلام پوهندوی داد محمد"نذیر"

جرایم و مجازات دوکتور محمد یونس "باذل"

Agahi Hoquqi

Publication organ for ministry of justice

سال پنجم * شماره ۷۷ * ۱۳۹۰ جوزا * ۲۰۱۱ * June - ۵

حقوق میراث

{قسمت دوم}

دوست محمد عارف

ج- میراث نزد طوائف شرق قدیم:

منظور از طوائف شرق قدیم طوائفی اند که در شرق تا انقراض دولت یهودی و ظهور رومانی ها می زیستند؛ مثل تورانی ها، کلدانی ها، شامی ها، عربها، فنیقی ها و غیره.

این طوائف دارای اخلاق و سلوک مشابه بودند. نظریه تشابه راه و رسم زندگی طوائف مذکور دارای قوانین مشابه بودند. چنانچه احکام میراث، نکاح و طلاق در بین شان تا حدی زیاد باهم شباهت داشت.

هدف عمده در وضع قوانین میراث تحکیم روابط فامیلی بود؛ زیرا آنها زندگی بدوی داشته و برای تامین معیشت از جای به جای دیگر سفر می نمودند و احياناً نزاع های داخلی نیز بین شان بوقوع می پیوست. بناء به رئیس فامیل احتیاج داشتند و رئیس فامیل در تصرفات خود مطلق العنان بوده به آراء و تحت تاثیر نظریات دیگران قرار نمی گرفت. از اینجا بود که فرد بزرگ فامیل خود بخود بدون وصیت قائم مقام پدر می گردید و اطفال و زنان از میراث محروم می گردیدند؛ زیرا آنها مسؤولیت فامیل را طبق مقتضیات آن وقت متحمل شده نمی توانستند. — میراث نزد مصری های قدیم

مصری های قدیم طریقه ای را که در میراث بکار می بردند این بود که شخص بزرگ فامیل قائم مقام میت، در زراعت، زمین و انتفاع از آن گردیده اما ملکیت زمین به او انتقال نمی کرد. چنانچه شخصی که قائم مقام متوفی می گردید، از دیگر اشخاص فامیل امتیازات مالی خاص نداشت بلکه جمیع اولاد در تقسیم و استحقاق حق مساوی داشتند؛ فرقی بین زن و مرد دیده نشده و تمام افراد فامیل بصورت مشترک زندگی می کردند. برای زنان، مادر، خواهران، برادران، کا، عمه، ماما و خاله نیز میراث می دادند.

... ادامه در ص/ ۲

ه- میراث نزد یهودی ها:

یهود یان قدیم از جمله اولاد تنها اولاد میت ذکور را مستحق میراث می دانستند و فرقی نمی کرد که این شخص از نکاح صحیح بدنی آمده باشد و یا از غیر صحیح.

در حالت تعدد ذکور برای پسر بزرگ دو چند حصه پسر خورد را تعیین و باقی را بین شان مساویانه تقسیم می کردند. اما دختر تنها مستحق نفقه و تربیه بود و برای او حصه معینی در میراث مورث شان موجود نبود، حق تربیه و نفقه آنها نیز تا سن دوازده سالگی دوام می کرد و اگر میت پسر نمی داشت پسر، پسر او مستحق میراث پنداشته شده و در حالت عدم وجود آنها میراث اش برای دختر او و در حالت عدم موجودیت دختر به دختر، دختر او داده می شد.

و اگر میت اولاد و نواسه نمی داشت جمیع میراث او به پدرش داده می شد و در حالت عدم وجود پدر، پدر کلان مستحق جمیع میراث می گردید.

و اگر میت پدر کلان هم نمی داشت اقارب دیگر میت مستحق میراث می گردید که در این صورت برای اقارب قریب در استحقاق میراث ترجیح داده می شد.

هرگاه میت وارثی از اشخاص که فوقاً ذکر گردیده را نمی داشت، مالک اموال او شخصی می گردید که اولتر از همه اموال او را تصرف می کرد و اموالی را که تصرف نموده بود تا مدت سه سال نزد او حکم امانت را داشته نمی توانست ملکیت او را به شخص دیگری انتقال دهد؛ زیرا مکان آن می رفت که در ظرف این مدت شخصی از اقارب

میت ادعای ارث را در اموال میت نماید. اگر در ظرف این مدت شخصی که خود را مستحق میراث اموال میت محسوب نماید ظاهر نمی گردید، شخص مذکور مالک اموال دانسته شده و می توانست در آن هر نوع تصرفی مالکانه بنماید.

شخصی که دین یهودی قبول و دین اصلی خود را ترک می نمود اقارب او را که یهود نبودند مستحق میراث اموال او ندانسته اما او را مستحق میراث در اموال اقارب غیر یهودی محسوب می کردند، و یهودی که دین خود را ترک می کرد نمی توانست از اقارب یهود خود میراث بگیرد. ضمناً پسری را که پدر و مادر خود را ل و کوب می کرد مستحق میراث در اموال والدین و اقارب نیز نمی دانستند.

... ادامه در ص/ ۲

اقدامات تأمینی از دیدگاه

قانون جزاء در دادگاه

همراه با گسترش و توسعه علوم اوبیژه در عرصه شناخت انسان مانند جامعه شناسی، روان شناسی و ... در اواخر قرن نوزده سبب شده تا پدیده مجازات نیز مورد توجه پژوهش گران و محققان قرار گیرد و شدت و حدتی که تا آن زمان در اجرای مجازات وجود داشت مورد تردید واقع شد.

اندیشمندان علم حقوق سعی داشتند تا در برابر جرم واکنش و عکس العمل معتدل تری را یابند، تا سر انجام این امر تحقق پذیرفت و این مساله در ابتداء به نام اقدامات تأمینی و سپس در بعضی از کشورها به عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی مسمی شد اقدامات تأمینی عبارت است از روشهای اصلاحی و اجرایی در مقابل مجرمین به عادت (اعتیادی)، مجرمین خطرناک و مجرمین که نیاز به حمایت ویژه دارند مانند صغار و دیوانگان.

همچنین قاموس اصطلاحات حقوقی در مورد تدابیر امنیتی چنین نگاشته است: تجاویزی که محکمه به آن زمانی حکم می نماید که ثابت گردد که شخص محکوم علیه مرتکب عملی گردیده است یا می گردد که به حکم قانون جرم شمرده شده و حالت مجرم، امنیت عامه را به خطر مواجه می سازد. اقدامات تأمینی بر خلاف مجازات، سابقه طولانی نداشته و پیشینه تاریخی آن به مکتب تحقیق، ایتالیا، بر می گردد. ... ادامه در ص/ ۲

اطلاعیه وزارت عدلیه

بمنظور ایجاد شفافیت در اجراءات منسوبین وزارت عدلیه و نظارت بهتر در زمینه و برای دسترسی

عامه مردم به عدالت رسیدگی به موقع شکایات، وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

به همکاری شرکت مخابراتی افغان بیسیم سیستم IVR را در وزارت عدلیه نصب نموده

و این دستگاه آماده بهره برداری گردیده است.

هموطنان عزیز ما می توانند شکایات شان را مستقیماً با استفاده از تلیفون های موبایل خویش

به دستگاه پیام گیر به شماره (۲۰۳۰) ارسال و ثبت نمایند.

وزارت عدلیه شکایات را به اسرع وقت ممکن مورد رسیدگی قانونی قرار داده

و انشاء الله نتایج آن راهم وطنان عزیز ما شاهد خواهد بود.

وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان



فرق بین قتل به وسیله غرق نمودن،

سوزاندن و یا خفه کردن.

فیض الله خواجه آمانی

قتل به هر نوع که باشد نهایتاً قتل است؛ اما شیوه به قتل رساندن در تثبیت نوع جرم و تعیین جزاء از نظر علما فرق می کند؛ مثلاً علمای حنفی را عقیده بر این است که سوزاندن توسط آتش یا آب داغ و امثال آن قتل عمدی بوده و موجب قصاص می باشد. زیرا که تاثیرات آتش و دیگر انواع سوزاندن بالای حجره های بدن مانند سلاح می باشد.

اما قتل به وسیله غرق نمودن در آب شبه قتل عمد است؛ زیرا که غرق کردن در آب مانند قتل توسط آله غیر جارحه می باشد.

اما خفه کردن از نظر علمای حنفی قتل شبه عمد است؛ زیرا که خفه کردن هم توسط آله غیر جارحه صورت می گیرد.

از نظر امام ابویوسف و امام محمد (رح) غرق کردن در آب قتل عمد بوده و موجب قصاص می باشد.

... ادامه در ص/ ۳

اهمیت حقوق مالکیت فکری یا معنوی

{قسمت دوم}

موثر از نتایج آن راه مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

همچنین قوانین ذیل در حمایت از حقوق مالکیت فکری و معنوی دارای احکام خاصی می باشد:

۱- قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی رایت)؛

۲- قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف؛

۳- قانون ثبت علائم تجاری (ترید مارک).

در ذیل بصورت مختصر به بررسی حقوق مالکیت فکری و معنوی در قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی رایت) به بیان موضوعات پرداخته است که ذیلا مورد کاپی رایت) می پردازیم.

الف) آثاری که مورد حمایت قانون قرار می گیرند:

ماده ششم قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی رایت) به بیان موضوعات پرداخته است که ذیلا مورد حمایت این قانون قرار گرفته است:

۱- کتاب، رساله، جزوه، مقاله، نمایشنامه و سایر نوشته های علمی، فنی و هنری.

۲- شعر، ترانه، آهنگ و تصنیفی که به هر وسیله و روش نوشته، ضبط یا نشر شده باشد.

۳- اثر سمعی و بصری بمنظور اجرا در صحنه های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به روش نوشته، ضبط یا نشر شده باشد.